

نقش و کارکرد رسانه‌های جمعی در طرح مسائل زیست‌محیطی

زینب عبدی*

مقدمه: دهه ۶۰، دهه شکوفایی و در واقع سرآغاز جایی توجه به محیط زیست در رسانه‌ها بود که موجب جلب توجه توده جامعه به محیط زیست شد. در ایران نیز توجه به مسائل محیط زیست به ویژه در دهه‌های اخیر افزایش یافته و به همین منظور قوانینی برای توجه بیشتر به مسائل زیست‌محیطی در رسانه‌ها وضع گردیده است. نگرش و تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، بر نوع رفتار آنها با محیط زیست تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل رسانه‌ها تأثیر بسزایی در فرهنگ‌سازی محیط زیستی مردم و حفاظت از محیط زیست دارند.

روش: در این تحقیق که به روش مروری و کتابخانه‌ای انجام شده، کوشش شده است تا با بهره‌گیری از تمامی منابع مرتبط با موضوع، اهمیت رسانه در طرح مسائل زیست‌محیطی و نهادینه کردن قوانین زیست‌محیطی و در نتیجه، بسط حفاظت از محیط زیست در اذهان مردم مورد تحلیل نظری قرار گیرد.

یافته‌ها: آموزش رسانه‌ای بیشتر به همراه تحقیق در مورد چگونگی یادگیری عموم درباره موضوعات محیط زیستی و آنچه که افراد را در جهت رسیدن به راه حل تحریک می‌کند از اهمیت بالایی برخوردار است. بر همین اساس می‌توان گفت توجه به محیط زیست با ارائه راهکارهایی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور افزایش داشته است.

بحث: این پژوهش نشان داد در صورتی که رسانه‌های جمعی به توسعه مسائل زیست‌محیطی توجه کنند، این مسئله موجب افزایش آگاهی عموم شده و نگرانی‌هایی را در بین آنها به وجود می‌آورد.

واژگان کلیدی: آگاهی‌بخشی، آموزش عمومی، رسانه‌های جمعی، فرهنگ، محیط زیست

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۰

* دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات، <abdi_zs2003@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

مقدمه

پس از انقلاب صنعتی در غرب، رشد اقتصادی که بدون در نظر گرفتن تخریب محیط زیست صورت گرفت، فعالان محیط زیست را به تکاپو درآورد. از اواخر دهه ۱۹۶۰ جنبش‌هایی در سراسر جهان شکل گرفتند که به تخریب محیط زیست و آلودگی‌ها واکنش‌هایی را نشان دادند و بر اساس آن دانشمندان علوم طبیعی نسبت به آینده کره زمین هشدار دادند. فشارهای رسانه‌ها، تحریک افکار عمومی و شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ مزید بر علت شد تا انسان‌ها، قوانین زیست‌محیطی را برای جلوگیری از تخریب محیط زیست به کار بندند.

با وجود این، تخریب محیط زیست این روزها با سرعتی باورنکردنی در حال رخ دادن است و یکی از حوزه‌های مهم اطلاع‌رسانی، حوزه محیط زیست است، امروزه صاحبان رسانه‌های گروهی به ویژه خبرنگاران و برنامه‌سازان با آگاهی نسبت به وظیفه سنگین خویش، در عرصه اطلاع‌رسانی شفاف و تبیین حقایق جامعه نقش بسزایی دارند. امروزه، ظهور و گسترش بحران‌ها، مشکلات و مسائل زیست‌محیطی که دامنه آن، افزون بر انسان‌ها، جانوران و گیاهان را نیز در بر گرفته، سبب شده است که جوامع انسانی به این مسئله بیشتر توجه کنند.

گسترش و توسعه حوزه‌های مختلف و جدید علوم و تکنولوژی باعث شده بشر، عصر جدیدی را تجربه کند. توسعه در حوزه‌های مختلف، طرفداران و منتقدان خاص خود را دارد. با اینکه توسعه و گسترش تکنولوژی تقریباً تمامی عرصه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار داده، لیکن این گسترش و توسعه تکنولوژی، اثرات مخربی را بر طبیعت و زیست بوم انسان‌ها داشته است. بر این اساس، انسان کنونی با دو مسئله و چالش به طور

1. Non-Governmental Organisation (NGO)

همزمان مواجه است: مسئله اول، متأثر از ماشینها و ابزارهای دنیای مدرن است و مسئله دیگر، مربوط به حفظ طبیعت و مادر زمین است. در ارتباط با این دو مسئله، نقش رسانه‌ها حائز اهمیت و ارزنده است.

رسانه‌ها، مهم‌ترین رکن ارتقای دانش محیط زیستی در جامعه هستند. امروزه در تمام جهان، رسانه‌ها تعیین‌کننده مسیر، افکار و فرهنگ در تمام سطح زندگی و هم‌چنین رفتار انسانها در حفاظت از محیط زیست می‌باشند. رسانه‌ها با دادن اطلاعات محیط زیستی به سطوح مختلف جامعه متناسب با نیاز هر قشر جامعه و القا و نهادینه کردن این اطلاعات، موجب تغییر رفتار و گسترش فرهنگ محیط زیستی جامعه می‌شوند.

امروزه مسئله محیط زیست یک موضوع جهانی است و این مهم بدون حضور و کمک رسانه‌ها امکان‌پذیر نیست. رسانه‌ها با منعکس کردن نقاط ضعف و قوت و عملکرد هر سازمان یا اداره، می‌توانند افکار عمومی را نسبت به آن مسائل حساس کنند و مسئولین نیز با توجه به این که رسانه، انعکاس دهنده فعالیت‌های آنهاست، نسبت به جبران کمبودها اقدام کنند. رسانه به عنوان ناظر بر فعالیت‌های هر سازمان، نقش ارزنده‌ای در بهبود شرایط و جلوگیری از کمبودها بر عهده دارد. متخصصان محیط زیست و سازمان‌های محیط زیستی با آگاه‌سازی و دادن اطلاعات محیط زیستی به عموم مردم و اقشار مختلف جامعه، سعی در بالابردن و ارتقای سطح دانش محیط زیستی و ایجاد فرهنگ حفاظت از محیط زیست دارند، این امر بدون مشارکت رسانه‌ها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا رسانه‌ها، مهمترین عامل ارتباط بین متخصصین، کارشناسان محیط زیست و سازمان‌های محیط زیستی با مردم هستند.

رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین رکن ارتقای دانش محیط زیستی جامعه، نقش بی‌بدیلی در جلب توجه افکار عمومی برعهده دارند و قطعا بدون کمک رسانه‌های ارتباط جمعی، نمی‌توان شاهد گسترش و بسط فرهنگ محیط زیستی در جامعه بود. از این رو، می‌توان گفت رسانه‌ها، مهم‌ترین نقش را در ایجاد فرهنگ محیط زیستی جامعه دارند. رسانه‌ها با

اطلاع‌رسانی و ارتقای دانش محیط زیستی، مهم‌ترین نقش را در جلوگیری از تخریب طبیعت و حفاظت از محیط زیست دارا هستند. رسانه‌ها، امروزه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش یک فرهنگ به حساب می‌آیند. رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه‌ها و مجلات، رسانه‌های شنیداری مانند رادیو، رسانه‌های دیداری مانند تلویزیون و رسانه‌های دیجیتالی، هر کدام با توجه به ویژگیها و ظرفیت‌های خود، تاثیر گسترده و بسزایی در گسترش یک فرهنگ دارند. کمک گرفتن از ظرفیت نهفته در رسانه‌ها برای ایجاد فرهنگ دوستی با محیط زیست و گسترش این فرهنگ، می‌تواند ما را در رسیدن به جامعه و فرهنگ دوست‌دار محیط زیست یاری نماید. با این حال، مسئله مهم این‌جاست که رسانه‌ها در یک جامعه تا چه میزان فعال هستند و تا چه حدی به مسئله محیط زیست اهمیت می‌دهند.

تردیدی نیست که رسانه‌ها از بدیهی‌ترین تأثیرگذاران بر آموزش و تنویر افکار عمومی در نگهداری از محیط زیست هستند. از آنجایی که بیشتر رسانه‌های جمعی مورد توجه عموم هستند و مردم، پاره‌ای از اوقات شبانه روز خود را به مطالعه، دیدن و یا شنیدن اطلاعات و اخبار منعکس شده در آنها اختصاص می‌دهند، بنابراین، سریع‌ترین، مطمئن‌ترین، در دسترس‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار در جهت اشاعه فرهنگ حفاظت از محیط زیست و آموزش و تنویر افکار عمومی، رسانه‌های جمعی هستند. برخی از اندیشمندان معتقدند با استفاده از رسانه‌ها، به راحتی می‌توان یک جریان فکری به وجود آورد. بنابراین، رسانه‌ها می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردها و استراتژیها در امر حفاظت از محیط زیست، فرهنگ‌سازی و نهادینه‌کردن فرهنگ نگهداری از محیط زیست و رفع مشکلات زیست‌محیطی با آگاه‌ساختن مردم ایفای نقش کنند.

نگرش و تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، بر نوع رفتار آنها با محیط زیست تأثیر می‌گذارد. در ارتباط با مسائل و موضوعات زیست‌محیطی و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی و انتشار اخبار واقعی و صادقانه، نقش رسانه‌ها بسیار مهم و حیاتی است. حفاظت از محیط زیست

به آحاد جامعه وابسته است. در جوامع مبتنی بر دانش مدرن امروزی، نقش رسانه در توسعه را می‌توان تسهیل‌کننده قلمداد کرد. علاوه بر این، رسانه، اشاعه‌دهنده و توزیع‌کننده اطلاعات است و لذا می‌تواند به عنوان کارگزاری رفتار نماید که باعث تغییر می‌شود. همچنین، رسانه‌ها می‌توانند مرکز بحث و تبادل نظر و به نقد کشیدن سیاست‌های زیست‌محیطی از یک سو و ارائه‌دهنده اطلاعات برای سیاست‌گذاری‌های محیط زیست باشند. رسانه‌ها همچنین می‌توانند برای برون‌رفت از معضلات زیست‌محیطی، راهکارها و پیشنهادهایی را به سیاست‌گذاران ارائه دهند. رسانه‌ها می‌توانند آگاهی عمومی را از مسائل و معضلات زیست‌محیطی بالا ببرند و آنها را با چالش‌هایی که در کوتاه‌مدت و به ویژه بلندمدت متوجه نوع بشر خواهد کرد، آگاه سازند. اطلاع‌رسانی صحیح و درست از معضلات زیست‌محیطی باعث می‌شود تا مسائل و موضوعات واقعی و اصیل مورد توجه قرار گیرند. از این رو، می‌توان به نقش سازنده و حیاتی رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی و مطلع کردن افکار عمومی از معضلات و مسائل زیست‌محیطی از یک سو و در اختیار نهادن اطلاعات کافی و مورد نیاز برای سیاست‌گذاران زیست‌محیطی و جلب توجه دولتمردان به این مسائل پی برد.

بنابراین، باتوجه به اهمیت محیط زیست در جامعه و تأثیری که رسانه‌ها می‌توانند در این زمینه داشته باشند، مسئله اصلی تحقیق نیز پاسخ به این سؤال است که رسانه‌های جمعی به چه میزان در طرح مسائل محیط زیستی تأثیرگذارند و باتوجه به نقش رسانه‌های جمعی، چه راهکارهایی را می‌توان برای برون‌رفت از معضلات زیست‌محیطی ارائه داد؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، مروری و کتابخانه‌ای، و تأکید اصلی آن بر رسانه‌های جمعی منطقه‌ای و بین‌المللی و بالأخره، طرح مسائل زیست‌محیطی و چگونگی توجه دادن هر چه بیشتر مردم از طریق رسانه‌های جمعی بوده است.

یافته‌ها

رسانه‌های جمعی و آگاهی بخشی زیست محیطی

رسانه‌های جمعی نقش مهمی در شکل‌دهی درک و آگاهی از موضوعات زیست محیطی دارند. روزنامه نگاران و دست‌اندرکاران تلویزیون به همراه دولتمردان، فعالان زیست محیطی، دانشمندان و صنعتگران، دستور کاری برای بحث‌های زیست محیطی و تصمیم‌سازی در مورد آن تنظیم می‌کنند. رسانه، پوشش جانبی گسترده‌ای روی موضوعات مهم زیست محیطی همچون اتفاقات و دیگر رخداد‌های فاجعه‌بار زیست محیطی فراهم می‌کند، در حالی که می‌تواند بررسی مسائل مزمن زیست محیطی - همچون گرم شدن هوای جهانی و تغییرات آب و هوا- را به صفحات داخلی یا صفحه آخر برنامه‌های خبری موکول کند. لیکن بادهای گرم و تندبادها معمولاً موجب می‌شود اخبار و برخی از گزارشگران چنین بلایای طبیعی را به تغییرات آب و هوایی ربط دهند.

رسانه‌های جمعی از سال ۱۹۶۰ میلادی نقش مهمی را در شکل دادن درک و آگاهی نسبت به موضوعات زیست محیطی بازی کرده‌اند. بیش از ۳۰ سال است که خبرنگاران و مسئولان پخش رسانه در کنار مقامات دولتی، فعالان محیط زیست، دانشمندان و صنعتگران به تنظیم موضوعات برای بحث‌های زیست محیطی و تصمیم‌گیری در این زمینه می‌پردازند. پیش از آن، تجارت و صنعت، بحث‌های مربوط به اثرات توسعه اقتصادی را به محیط زیست طبیعی محدود کرده بودند. لیکن انتشار مقاله «بهار خاموش» راشل کارسون در ۱۹۶۲ چارچوب بحث‌های زیست محیطی بین دانشمندان، فعالان و دولتمردان را تغییر داد و برخاستن تلویزیون به عنوان یک واسطه ملی و بین‌المللی به میزان زیادی دیده شدن موضوعات زیست محیطی را بیشتر کرد.

درک عمومی از موضوعات زیست محیطی پیش از دهه ۶۰ میلادی چگونه بود؟ نیوزیل و کواریک (۱۹۹۶)، ویلیام پن و بنیامین فرانکلین را به عنوان اولین طرفداران محیط زیست

برشمرده‌اند و متذکر شده‌اند که نهضت سبز امریکا فعالیت خود را از قرن نوزدهم شروع کرده است. آنها می‌گویند: «توجه داشته باشید که تفاوت اساسی این بود که بسیاری از نهضت‌های سبز گذشته معمولاً محلی بودند تا ملی». این به آن دلیل بود که هیچ یک از این جنبشها توسط رسانه‌های اصلی پوشش داده نمی‌شد و تنها توسط رسانه‌های جایگزین مطرح می‌گردید.

پیش از انتشار بهار خاموش در ۱۹۶۲، گروههای زیست‌محیطی به میزان زیادی شامل سازمان‌های حفاظت از منابع طبیعی می‌شدند: «ما در اثر انفجار نیروهای جدید ناگهان و با سرعت بالا به گذشته پرتاب شدیم». این توضیحی است که میشل مک کلاسکی صاحب کلوب سیرا به فیلیپ شابکوف خبرنگار می‌دهد (۱۹۹۳). از اواسط قرن بیستم، شعارهای محیط زیستی دچار تغییر شد و ناگهان زیبایی طبیعی و کیفیت زیست‌محیطی و تمام آنچه که مربوط به محیط زیست بود، دچار تحول شد. از آن زمان بود که ناگهان یک دوره جدید آغاز گردید. این دوره جدید -همچون بهار خاموش- کاملاً مربوط به آلودگی بود.

رئیس جمهور ایالات متحده، لیندن جانسون، در پیام خود به تاریخ ۸ فوریه ۱۹۶۵ زبان این دوره جدید را پذیرفت: «در چند دهه گذشته، مباحث جدیدی از ضایعات و زباله‌ها چشم‌انداز زندگی آمریکایی را تحت تأثیر و تهدید خود قرار داده است. این‌ها، همان زباله‌های صنعتی هستند - محصولات جانبی توسعه، کشاورزی و علوم ... تقریباً تمامی این زباله‌ها و آلودگیها نتیجه فعالیت‌هایی است که برای سود بردن انسان طراحی شده‌اند. یکی از اهداف ملی اولیه باید بهبود این محیط زیست باشد به گونه‌ای که زیستن در آن، آرامش بخش و همراه با سلامت باشد» (برتون، ۱۹۹۶).

پوشش رسانه‌ای تعدادی از حوادث زیست‌محیطی شدید در انتهای دهه ۶۰ میلادی، تصاویر برجسته‌ای از پرنده‌گانی را که در نفت غرق شده بودند یا رودخانه‌ای از آتش به نمایش گذاشت -تصاویری از آلودگی که درک و آگاهی عمومی را شکل داد. آن‌گونه که

سخنگوی کابینه، جان ویتاگر می‌گوید، هنگامی که رئیس جمهور نیکسون و همکاران وی در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۹ قدم به کاخ سفید گذاشتند، کاملاً آمادگی موج قوی تصور عمومی از پاکیزه کردن محیط زیست که در حال غرق کردن ما بود را نداشتیم (شابکوف، ۱۹۹۳).

تلویزیون در شکل دادن درک و عقیده عمومی چقدر مهم بوده است؟ آنچه را که راشل کارسون درباره تلویزیون در سال ۱۹۶۲ نوشت، به دلیل تاثیرگذاری آن، حداقل تا حدودی به خبر داغ روزنامه‌ها در دهه ۶۰ میلادی بدل گشت. چاه نفتی سانتاباربارا یک داستان تصویری بسیار گسترده بود، به همان اندازه که آتش بر روی آب رودخانه کویاهوگا در ایالت کیولند، توانستند به سوژه‌های بسیار نابی برای تلویزیون بدل شوند.

نفت نشت کرده در سواحل سانتاباربارا موجب به دام افتادن و کشته شدن هزاران پرنده در نفت منتشر در این سواحل گردید. دانشجویان کالج و دیگر افراد جوان شروع به تلاش برای نجات جان پرندگان نمودند. تلویزیون هم شب به شب تصاویری از افراد جوان را در حال گریه در حالی که پرنده‌های مرده‌ای در دست داشتند، نشان می‌داد. شبکه‌های مردمی این تصاویر را دریافت کردند و در اثر آن، آلودگی زیست‌محیطی به عنوان یک بخش بسیار شخصی و کاملاً تاثیرگذار بر زندگی فردی افراد شناخته شد. بینندگان تلویزیون، داوطلبان جوان را می‌دیدند و درد و رنج آنها را احساس می‌کردند.

گزارشگران و نویسندگانی که در نقاط مختلف ایالات متحده مشغول به کار بودند، احساس کردند به یک داستان خبری خوب دست یافته‌اند. آیا این یک فاجعه محلی بود که آنها به راحتی می‌توانستند آن را پوشش دهند؟ آیا آنها می‌توانستند یک معضل زیست‌محیطی را یافته و پوشش دهند که در آن واحد هم بینندگان و هم مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهد؟ به همین شکل، رودخانه سیاهوگای در حال سوختن (به دلیل فاضلاب شیمیایی که به آن سر ریز شده بود) یک داستان بصری با ارزش شوکه سازی بسیار بالا بود. به نظر می‌رسید آلودگی آن قدر جدی باشد که یک رودخانه گرفتار آتش شود ... و

گزارش آن در بخش‌های مختلف خبری بیاید. این در حالی بود که تلویزیون -همین‌طور بسیاری از روزنامه‌ها- به طور کلی نمی‌خواستند و نمی‌توانستند یک بخش خبری مخصوص محیط زیست ایجاد کنند و هنگامی که بخش‌کنندگان تلویزیونی محیط زیست را پوشش دادند، موجب شدند که تصویر آن فاجعه‌های زیست‌محیطی در ذهن مخاطبان خانه کند و آگاهی عمومی به میزان بسیار زیادی افزایش یابد.

۲۰ میلیون نفر برای اولین روز زمین از خانه‌های خود بیرون آمدند. شابکوف (۱۹۹۳) می‌گوید: «۲۲ آوریل ۱۹۷۰، آن قدر روز خوبی است که می‌توان گفت طرفداری از محیط زیست در ایالات متحده از آن روز شروع به گسترش به عنوان یک جنبش اجتماعی توده کرد». «گروه‌های حفاظت از منابع طبیعی قدیمی ... نقشی بسیار کم‌رنگ در روز زمین ایفا کردند و در حقیقت از تشکیل موج ملی بسیار شگفت زده شدند. اکثر گارد قدیم حفاظت از منابع طبیعی، که گوششان پر از موضوعات قدیمی همچون سرزمین سنتی و حفاظت از حیات وحش بود، همچنان نسبت به رشد عصبانیت ملی در مقابل آلودگی و دیگر تهدیدهای زیست‌محیطی برای سلامت انسان کور و کر بودند» (۱۹۹۳) لیکن آنها نیز به مرور نکته کار را درک کردند «در طی چند سال، فاصله بین گروه‌های حفاظت از منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست -و سازمان‌های فعال در زمینه سلامت عمومی- بسیار کم شد و گرچه نه به طور کامل، اما بسته شد» (۱۹۹۳).

بسیاری از رهبران اقتصادی رشد آگاهی زیست‌محیطی را به عنوان یک تهدید برای توسعه صنعتی می‌دیدند. در ۱۹۷۱، ریچارد دارو، مدیرعامل هیل اند نولتون، بزرگترین شرکت روابط عمومی کشور، به انجمن اقتصادی محصولات صنعتی فارست گفت که تجارت درگیر یک جنگ بزرگ ارتباطات بوم‌شناسی شده است:

«زمان، از دست رفته است. برای من، شما و همکارانمان در نقاط کنترلی صنعت، دوره ارتباطات مغلوب، دوره استاندارد کوهستان شده است. ما چیزهایی را انجام خواهیم داد که

به ما توجه می‌دهند و درک ما را حاصل می‌کنند و یا باقی‌مانده عمر حرفه‌ای خود را در حال مورمور کردن، فاسد کردن، خرف کردن و فرونشاندن تلاش برای به چنگ آوردن موانع غیر واقعی قانونی و فلج کردن محدودیت‌های مدیریتی می‌گذرانیم. آن عموم ملت که بخواهد ما را درک کند- و از ما به خاطر آنچه که هستیم و آنچه که کرده‌ایم، تقدیر کند- دیگر وجود ندارد و در عوض می‌خواهد پوست از سر ما بکند (۱۹۹۳).

به نظر می‌رسید صنعت آمریکا در حال از دست دادن قلب‌ها و افکار مردم است. چارچوب مرجع بحث‌های زیست‌محیطی از شرایط تأکید بر غلبه تجارت در پیش از دهه ۶۰ به نیاز به توسعه تجارتی به دورنمای دولتی جدید حفاظت زیست‌محیطی و تهیه قوانین برای آن تغییر کرد. صنعت در یک سو قرار گرفت و سازمان‌های دولتی، سازمان‌های فعال در زمینه محیط زیست، گروه‌های اجتماعی و دیگر مؤسسات همگی در سوی دیگر. هر طرف سعی در تأثیرگذاری بر روی عموم و ایجاد یک دستور کار قانونی با به کاربردن روابط عمومی و دیگر فنون برای تأثیرگذاری بر روی چارچوب مرجع رسانه‌های جمعی داشتند. از انتهای دهه ۶۰ تا ۱۹۷۳، چارچوب دولت/فعالان غالب شد. منابع دولت دو مزیت داشته و دارند. آنها معمولاً مقدار بیشتری از روابط خبری زیست‌محیطی دارند و به صورت اتوماتیک به عنوان منبع رسمی شناخته می‌شوند (ساجزمن، ۱۹۷۶). با این حال، با دنبال کردن بحران نفت در سال ۱۹۷۳، بحث از محیط زیست به انرژی تغییر پیدا کرد و تعادل بین اقتصاد و آگاهی از محیط زیست به خوبی برقرار شد.

در اواخر دهه هفتاد، مجدداً دیده شد که تمایل رسانه‌ها، بازگشت به نگرانی‌های زیست‌محیطی است. در همان زمان روزنامه‌ها، مجله‌های خبری، و ایستگاه‌های تلویزیونی در سراسر جهان به حادثه نیروگاه اتمی تری مایل آیلند پنسیلوانیا پرداختند. می‌توان گفت تری مایل آیلند اولین واقعه خبری زیست‌محیطی است که توجه جهانی را به خود جلب کرد و احتمالاً نقش مهمی در روشن کردن آگاهی زیست‌محیطی حتی تا آفریقا داشته

است. چرا این واقعه تا این حد در سرتاسر جهان مورد توجه واقع شد؟ واقعه تری مایل آیلند از جمله اتفاقاتی بود که هر آن، احتمال وقوع آن می‌رفت. اتفاق بدی افتاده بود اما ممکن بود بدتر از این هم اتفاق بیفتد. این اتفاق بد برای مدتی رخ داد و رسانه‌ها این واقعه را در صفحه اول خود نگه داشتند تا زمانی که روشن شد دیگر خطری وجود ندارد. تری مایل آیلند تنها واقعه زیست‌محیطی نبود که در انتهای دهه هفتاد توجه عموم را به خود جلب کرد. در منطقه لاو کانال آبشار نیاگارا، نیویورک، دیده شد که زمین دارای مواد شیمیایی خطرناکی است. این داستان تا زمانی که دولت فدرال تصمیم گرفت نسبت به تخلیه آن منطقه اقدام کند، ادامه داشت.

به نظر می‌رسد یک رخداد زیست‌محیطی دیگر در همان دوره زمانی توجه رسانه‌ای کمتری را به خود جلب نمود. هیچ کس خارج از تگزاس نشت ۱۰/۷ میلیون بشکه نفت در جریان برخورد کشتی برمه آگات و یک کشتی دیگر در خلیج گالوستون را به یاد نمی‌آورد.

در ۱۹۸۴، بینندگان و خوانندگان سرتاسر جهان در حالی از خواب برخاستند که خبر نشت گاز شیمیایی در نیروگاهی در بوپال هند منتشر شده بود و بیش از ۲۵۰۰ نفر در اثر آن کشته و صدها هزار نفر مجروح شده بودند (شابکوف، ۱۹۹۳). دو سال بعد بدترین و ترسناک‌ترین واقعه زیست‌محیطی جهان در نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل رخ داد. واقعه چرنوبیل احساسات بین‌المللی در مورد ریسک انسانی و جایز الخطا بودن آن را تغییر داد.

به نظر می‌رسد وقایع تری مایل آیلند و لاو کانال در دهه ۷۰ و بوپال و چرنوبیل در دهه ۸۰ توانست چرخه اخبار زیست‌محیطی را همچون وقایع نشت نفت سانتاباربارا و آتش سوزی در رودخانه سیاهوگا در دهه ۶۰ تحریک کند. شبکه‌های تلویزیونی همگام با وقایع زیست‌محیطی بزرگ جلو آمدند و رسانه‌های محلی به همراهی با آنها پرداختند. لیکن پوشش خبری اتوماتیک نبود و هنگامی که رسانه‌های بزرگ ملی و بین‌المللی

نتوانستند همگام با وقایع زیست‌محیطی حرکت کنند، دقیقاً این شبهه به وجود می‌آمد که گویی این واقعه اتفاق نیفتاده است. آن‌گاه، همچون نشت نفت در اکسون والدز در آلاسکا، که در آن، تلویزیون تمایل شدیدی به پوشش این رخدادها نشان داد، بار دیگر یک سیکل خبری زیست‌محیطی رخ داد. شابکوف (۱۹۹۳) می‌گوید: از تمامی تخریب‌هایی که من مشاهده کردم، هیچ یک مرا بیش‌تر از دیدن مرغ‌های دریایی، مرغ‌های ماهیخوار، نهنگها و دیگر حیواناتی که پوشیده از نفت بودند و به شکل ناامیدانه‌ای برای بقا تلاش می‌کردند، تحت تأثیر قرار نداد. در واقعه اکسون والدز بیش از ده و یک دهم میلیون بشکه نفت نشت کرد، لیکن بیش از چند عکس از آن منتشر نشد.

در طول سالیان متعدد، رسانه‌های جمعی به طور کلی و تلویزیون به طور خاص، پوشش رسانه‌ای خوبی از موضوعات زیست‌محیطی اصلی همچون تصادفات و نشتها ارائه داده‌اند، در حالی که مشکلات زیست‌محیطی مزمن همچون کوچک شدن جنگل‌های بارانی و نشت مخزن‌های ذخیره زیرزمینی (و دیگر اخباری که پوشش آنها سخت‌تر است) را به صفحات داخلی یا انتهای برنامه خبری خود منتقل کرده‌اند. روزنامه نگاران و برنامه‌سازان بیشتر به دنبال موضوعات خبری‌زمان پری هستند که زمان آنها را پر کند. وقایع و نشتها نه تنها موضوعات خبری خوبی را به دست می‌دهند بلکه تصاویر بصری دراماتیکی را نیز حاصل می‌کنند که می‌تواند بر افکار عمومی تأثیر عمیقی بگذارد و برنامه آنها را پر بیننده‌تر کند. جدای از آن، موضوعات مربوط به بودجه و جغرافیا نیز گاهی اوقات بر روی برنامه‌های تلویزیونی تأثیر شگرفی می‌گذارند که موجب می‌شود آنها از وقایعی که برای پرسنل تولید ناراحت کننده هستند، روی برگردانند (گرین برگ و همکاران، ۱۹۹۸).

قدرت تأثیر رسانه‌های جمعی

رسانه‌ها در جوار نهادهای دیگری که طرز تفکر جامعه را می‌سازند، نقش عمده‌ای در جهت‌دهی به طرز فکر مردم نسبت به محیط زیست ایفا می‌کنند. ادعا می‌شود که افکار عمومی در دوران فعلی از طرف رسانه‌ها به نوعی ساخته می‌شود که افراد گمان می‌کنند تفکر فرد ناشی از دنباله‌روی از افکار عمومی تبلیغ شده از سوی رسانه‌هاست. در برهه‌هایی از زمان به خوبی مشخص شد که دولت‌های خودکامه، قادر به جهت دادن افکار عمومی هستند. سلسله تحقیقاتی که در زمینه قدرت تأثیرگذاری حزب ناسیونالیست سوسیالیست آلمان هیلتر صورت گرفت، به این برداشت پاسخ مثبت می‌دهد. در عین حال، چنین به نظر می‌رسد که در جوامع کنونی با تعداد رسانه‌ها و امکانات متفاوت برای توده مردم تا حدودی از قدرت رسانه کاسته شده است. در واقع، باید گفت که در زمینه تأثیرگذاری رسانه بر افکار و نگرش‌های مردم از چند مرحله تفکری خاص گذشته‌ایم. در ابتدا تصور عمومی بر قدرت بی‌نهایت رسانه‌ها بود و گمان می‌کردند اگر فردی کنترل رسانه را در دست داشته باشد، به آسانی قادر خواهد بود افراد را به انجام دادن رفتارهایی در جهت میل و تمایل خود وادار کند. پایه‌های نظری این نگرش بر یک عامل استوار بود. یکی از این عوامل نظریه‌های روانشناسی غرایز بود که بر وجود مکانیسم‌های بیولوژیک ذاتی و تا حدودی مشابه در میان افراد تأکید می‌کرد. بر اساس این نظریه، در میان افراد جامعه، غرایز مشخصی وجود دارد که در اثر تحریک، باعث بروز رفتار حدوداً مشابهی در میان آنان می‌گردد؛ یعنی اگر فرستنده، پیامی در جهت تحریک این غرایز برای توده بفرستد، توده نیز در جهت محرک دریافت شده، پاسخی حدوداً مشابه ارائه می‌دهد.

نقش تاریخی رسانه در توسعه محیط زیست

تردید نیست که رسانه در توسعه حقوق محیط زیست از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دور از واقعیت نیست که ما بخشی از رشد و ارتقاء ادراک عمومی جامعه را در کلیه

زمینه‌ها مرهون خدمات رسانه‌ها برشماریم. در حوزه مسائل محیط زیست نیز خوشبختانه بسیاری از خبرنگاران با آگاهی از مسائل و مشکلات این بخش توانسته‌اند با انتشار اخبار، مقالات، گزارشات و گفت‌وگوها مردم را با این مهم آشنا کنند.

به طور مثال انتشار کتاب «بهار خاموش» در سال ۱۹۶۲ سرآغاز جنبش‌های زیست‌محیطی در سراسر جهان شد. راشل کارسون بانوی اهل پنسیلوانیای آمریکا؛ زیست‌شناس و جانورشناس با انتشار کتاب بهار خاموش، وجدان عمومی جامعه را متوجه تخریب‌های گسترده محیط زیست کرد. کارسون در کتاب خود اثرات درازمدت سموم آفت‌کش را برملا کرد و شیوه‌های مهندسان کشاورزی را به چالش کشید و افکار عمومی را متوجه دنیای طبیعت کرد.

انتشار بهار خاموش در نیویورک نه فقط در مطبوعات آمریکا بلکه در رسانه‌های سراسر جهان انقلابی به راه انداخت. جهان، زین پس، مسیر دیگری به خود گرفت (کارسون، ۲۰۰۹). به هر حال در زمینه توجه رسانه به مقوله محیط زیست، کشور آمریکا از پیشگامان است. حتی در فاصله سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۸۹ نیز بخشی از پوشش اخبار رسانه‌های آن کشور به بررسی سلامت عمومی و مسائل مربوط به حفاظت و نگهداری اختصاص یافته بود.

نگرانی‌هایی از تخریب محیط زیست، بارها در رسانه‌های خبری آن روزهای آمریکا، بخش مهمی را به خود اختصاص داده بود. ایالات متحده در آن سالها در زمینه اقتصادی و سیاسی روندی رو به جلو داشت و به عنوان کشوری شناخته می‌شد که در زمینه رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های نوشتاری پیشرو بود. در نهایت در همان سالها مشکلات جدیدی هم آشکار شد و این خطای سستی که ناسازگاری‌های محیط زیست در اواخر قرن بیستم در یک پوچی تاریخی پدید آمده است، بر سر زبانها افتاد. مورخان به نادرستی اعلام کردند که توسعه علم و تکنولوژی بود که عامل معضلات زیست‌محیطی بوده است.

این دیدگاه به سادگی منعکس کننده عدم وجود منطق علمی در تحقیقات بود. در این تحقیقات به قدر کافی از پوشش خبری راجع به انقراض حیوانات، حفاظت و مسائل مربوط به بهداشت عمومی (مدت‌ها قبل از دوره توسعه تکنولوژی) صحبت شده است.

همچنین از اوایل قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم امکان تشخیص صدها یا هزاران چالش زیست‌محیطی وجود دارد که بسیاری از آنها بر روی نگرانی‌های مربوط به بهداشت عمومی و حفاظت از آن متمرکز شده است. دوران اصلاح طلبی در غرب به خصوص، به عنوان زمان بیداری و نگرانی‌ها مطرح شده است. این زمانی بود که رسانه‌های خبری در حال ظهور در دنیایی از محدودیت در افکار و عقاید بودند. با در نظر گرفتن محل تلاقی سابقه روزنامه‌نگاری و تاریخ محیط زیست در این مدت به نتایجی در این باره دست می‌یابیم. به طور مثال، مطالعه نشان می‌دهد صدها رساله، هزاران مقاله و تعداد زیادی کتاب، پیرامون بررسی تاریخ روزنامه‌نگاری و محیط زیست در ایالات متحده آمریکا به وسیله پژوهشگران گردآوری و تدوین شده است و هم‌اینک موجود است. البته بخش عمده‌ای از کارهای اولیه، بیوگرافی و مطالعات سازمانها است (دبیری، ۱۳۹۰).

در دهه ۱۹۸۰، جنبش تاریخی در مناطق بر روی سابقه روزنامه‌نگاری نیز تأثیر گذاشت و ما شاهد عملکرد گسترده‌تر و مطالعات وسیع‌تر در حوادث خاص بودیم. به این امید که تاریخ روزنامه‌نگاری نیز شروع به اضافه کردن سابقه و رکورد به تاریخ محیط زیست می‌کند؛ با این حال، حتی اگرچه سابقه تاریخی در زمینه نقش رسانه در توسعه محیط زیست غنی اما ناشناخته است، ولی جا برای شناخت کامل از آنچه دست نیافته‌ایم بسیار است. هنوز هم مقدار زیادی از کارها وجود دارد که به تلاش برای کشف آن نیاز است. برای مثال، دانش ما از نقش مطبوعات در تکاپو برای حفظ حیات وحش، تصفیه آب و قوانین زیست‌محیطی بسیار ناچیز است. همچنین، ما اطلاعات کمی از آنچه روزنامه‌نگاران در مورد محیط زیست انجام داده‌اند، در دست داریم (کستلز، ۲۰۰۶).

در برخی کشورها، به‌خصوص در اروپا، محیط زیست گرایان پا را از فعالیت‌های رسانه‌ای فراتر گذاشته و وارد عرصه رقابت‌های سیاسی شده‌اند. البته آنها در پاره‌ای مواقع با موفقیت نسبی توانسته‌اند نامزدهای خود را به برخی مناصب برسانند. شواهد و مدارک نشان می‌دهد که احزاب سبز در انتخابات محلی، یعنی در جایی که هنوز پیوند مستقیمی بین نهضت محیط زیستی و نمایندگان سیاسی آنها وجود دارد، بسیار موفق‌تر بوده‌اند. همچنین محیط زیست گرایان در انتخابات بین‌المللی، مثل انتخابات پارلمان اروپایی نیز نسبتاً موفق بودند زیرا در مورد نهادی نظیر پارلمان اروپا که تنها دارای قدرت نمادین است، شهروندان در این خصوص که با رأی خود اجازه دهند اصول مورد نظرشان ارائه و مطرح شود، با دلگرمی و راحتی خیال عمل می‌کنند، زیرا در این حال از دست دادن نفوذ بر فرایند تصمیم‌گیری، بهای سنگینی ندارد. در سطح سیاست ملی نیز دانشمندان علوم سیاسی نشان داده‌اند که شانس احزاب سبز چندان متأثر از اعتقادات محیط زیستی مردم نیست، بلکه بیشتر تحت تأثیر ساختارهای نهادی خاص است که چارچوب فرصت‌های رقابت سیاسی را می‌سازد که رسانه‌ها در داغ کردن این تنور، نقش اساسی را بازی می‌کنند. حزب سبز آلمان نمونه بارز از این مثال است. حزب سبز آلمان در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۰ و با ائتلاف نهضت‌های مردمی شکل گرفت. این حزب در پیشبرد نهضت محیط زیست در آلمان بیش از تمامی نهضت‌های اروپایی دیگر مؤثر بوده است.

نیروی اصلی شکل‌گیری این حزب، نهضت ابتکارات شهروندان در اواخر دهه ۷۰ بود که عمدتاً حول محور صلح و مبارزه با سلاح‌های هسته‌ای بسیج شده بود. پژوهش بر روی شکل‌گیری، اهداف و دستاوردهای این حزب به ما این را می‌گوید که حزب سبز آلمان از تأثیرگذارترین رسانه‌ها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند.

محیط زیست گرایان در استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی جدید به ویژه اینترنت، پیشرو بوده‌اند و آنها را به عنوان ابزارهای سازمان‌دهی و بسیج به کار گرفته‌اند. مثلاً ائتلافی از

گروه‌های محیط زیستی آمریکا، کانادا و شیلی متشکل از سازمان‌هایی مثل دوستان زمین، باشگاه سبیرا، صلح سبز، مدافعان حیات وحش، انجمن قانون محیط زیست کانادا، و سازمان‌هایی دیگر شکل گرفت که همگی علیه تصویب معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی^۱ بسیج شده بودند. دلیل این امر آن بود که این معاهده فاقد پیش‌بینی‌های لازم برای حفاظت از محیط زیست بود. آنها از اینترنت برای هماهنگ ساختن اقدامات و اطلاعات استفاده کردند، همچنین شبکه‌ای دائمی ساختند که خطوط اصلی مبارزه‌های محیط زیستی بین‌المللی را در دهه ۹۰ در آمریکا ترسیم می‌کرد. ایستگاه‌های شبکه سراسری جهانی^۲ همچون ایستگاه‌هایی که در ۱۹۹۶ میلادی به وسیله سازمان‌هایی مثل حفاظت بین‌الملل و شبکه اقدام جنگل‌های حاره‌ای تأسیس شد، برای تمامی محیط زیست‌گرایان جهان بدل به پایگاه‌هایی مبارزاتی شده است. این ایستگاه‌ها برای دفاع از جنبش ساکنان بومی جنگل‌های استوایی ایجاد شدند. سازمان موسوم به «اول غذا» که در کالیفرنیا به وجود آمد پس از مدتی به شبکه‌ای از گروه‌های محیط زیستی در کشورهای در حال توسعه پیوست (ایمرور، ۱۹۹۹).

این شبکه، مسائل محیط زیستی و مسئله فقر را به یکدیگر مربوط می‌کند و از طریق اینترنت توانسته است فعالیت‌های خود را با یک سازمان تایلندی موسوم به «جنوب جهانی» هماهنگ سازد. این سازمان، دیدگاه محیط زیستی را در قاره آسیا نشر می‌دهد که در حال صنعتی شدن است. اکنون گروه‌های مردمی در سراسر جهان از طریق این شبکه‌ها قادر شده‌اند به صورت همزمان و در تراز جهانی، در سطحی که مسائل اصلی در آن سطح به وجود می‌آید، به اقدام بپردازد. به نظر می‌رسد نخبگان جدیدی در حال پیدایش هستند که در استفاده از کامپیوتر مهارت دارند و هسته هماهنگ کننده و جهانی گروه‌های مردمی

1. Nafta

2. www

فعال در مسائل محیط زیست سراسر جهان هستند. این پدیده با نقشی که صنعتگران چاپ و روزنامه‌نگاران در ابتدای جنبش کارگری ایفا کردند چندان بی‌شبهت نیست، در جنبش کارگری نیز نخبه‌های مذکور از رهگذر اطلاعاتی که بدان دسترسی داشتند، توده‌های بی‌سواد را هدایت می‌کردند که تشکیل دهنده طبقه کارگر در اوایل دوران صنعتی شدن بود (کستلز، ۲۰۰۶).

گرمایش جهانی؛ نمونه‌ای از تأثیر رسانه‌های جمعی

واژه «گرمایش جهانی» در دهه هفتاد میلادی به دایره‌المعارف رسانه‌های جمعی وارد شد. در ۲۱ جولای ۱۹۹۷، نویسنده معتبر، پل والتین، یک روایت یک صفحه‌ای برای واشنگتن پست نوشت که تیتراژ آن «گرمایش ۱۰۰ ساله: گرمای بیشتر؛ احساس شما را تأیید می‌کند، تابستان‌های ما در حال گرم‌تر شدن است» بود. در ۱۸ فوریه ۱۹۷۸، توماس اوتوله، مقاله «متخصصان هواشناسی، یک رویکرد گرمایشی را می‌بینند» را نوشت که به خوانندگان روزنامه پست می‌گفت که سوختن زغال سنگ و نفت موجب ایجاد دی‌اکسید کربن بیشتر در جو شده است که تا سال ۲۰۰۰ ممکن است موجب بالا رفتن دمای هوا شود. این مقاله، دقیقاً به همان چیزی اشاره می‌کند که ما به آن گرمایش جهانی می‌گوییم.

در ۲۲ جولای ۱۹۷۷، اخبار ایالات متحده و گزارش جهانی در برنامه کاربرد انرژی منجر به گرم‌تر شدن جهان می‌شود، به موضوع اثر گلخانه‌ای پرداختند. در همان دوران، افراد دیگری نیز به این موضوع پرداخته بودند که می‌توان به مورای میشل و شارون بگلی نیز اشاره نمود.

چهار سال قبل از این موضوع، مجله تایم سرمایش جهانی را به عنوان طرح روی جلد خود در شماره ۲۴ ژوئن ۱۹۷۴ انتخاب کرده بود. در این شماره، تایم یک مقاله در مورد سرمایش جهانی با عنوان یک عصر یخی دیگر نوشته بود که از نظرات متخصص آب و هوای دانشگاه کلمبیا؛ جرج کوکلا بهره می‌برد. پس از آن، در ۱۷ می ۱۹۷۶، مقاله

«پیش‌بینی: قحطی؟» منتشر شد که در آن، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا ترس از این داشت که داده‌های دانشگاه ویسکانسین به پیش‌بینی یک قحطی کوچک پرداخته باشد. در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸، تایم تیتری با عنوان «گرمایش زمین؟ گاز کربنیک ممکن است وضعیت آب و هوای جهان را عوض کند» را انتخاب کرد. این مقاله به بحث دربارهٔ نیروی گرمایشی اثرات گلخانه‌ای پرداخت (بورتون، ۱۹۹۶).

برنامه خبری عصرگاهی NBC در روز ۳ می ۱۹۷۶ مدت زمان ۴۰ ثانیه از پایان برنامه خود را به پیش‌بینی CIA در مورد آب و هوا اختصاص داد، که بر قحطی و خشکسالی تأکید می‌کرد. برنامه خبری عصرگاهی ABC در ۲۵ آگوست ۱۹۷۶، دو دقیقه و ده ثانیه از زمان خود را به برنامه‌ای که رشد شهرها را به دلیل ایجاد خشکسالی در انگلیس زیر سؤال می‌برد، اختصاص داد. در ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۶، جولز برگمان از برنامه سازان ABC یک برنامه دو دقیقه و ده ثانیه‌ای در مورد گزارش کمیته آکادمی ملی علوم در مورد ویرانی ایجاد شده توسط فلوروکربن‌های موجود در اسپری‌های ائروسول بر روی اوزون پخش کرد. همچون تمامی رویدادهای مربوط به فلوروکربن/اوزون، این برنامه نیز به بررسی خطرات پزشکی نظیر افزایش سرطان پوست پرداخته بود لیکن در این مورد، کمیته مورد نظر گفته بود که خطرناک‌ترین نتیجه، ممکن است گرم شدن قطب‌های زمین باشد. در ۸ فوریه ۱۹۷۸، ABC یک برنامهٔ مستند توسط هری کی اسمیت را پخش کرد که به بحث در میان دانشمندان درباره پیش‌بینی یک عصر یخبندان جدید یا یک گرمایش جدید می‌پرداخت. اسمیت گفته بود وی به نظریه عصر یخبندان استاد دانشگاه ویسکانسین، رید بریسون اعتقاد دارد. برنامهٔ خبری عصرگاهی CBS در ۳ آوریل ۱۹۸۰، دو دقیقه و چهل ثانیه از زمان خود را به برنامهٔ نلسون بتون در مورد اثرات گلخانه‌ای بر اساس یافته‌های کمیته منابع طبیعی و انرژی سنا اختصاص داد. تقریباً دو کانال تلویزیونی دیگر هیچ سخنی در این میان به زبان نیاوردند. از این دست برنامه‌ها تا سال ۱۹۹۰ به کرات در کانال‌های

مختلف تلویزیونی آمریکا پخش شد (گرینبرگ و همکاران، ۱۹۸۹).

گرمایش جهانی یک موضوع زیست محیطی دیرینه است. یک مشکل بلندمدت که در سال‌های قبل هم مثل امسال مطرح بوده است. تغییرات دمایی حین دهه‌های مختلف اندازه‌گیری می‌شود و دانشمندان بر اساس آن پیش‌بینی کرده‌اند که اثرات گلخانه‌ای دلیل دمای بالای سال‌های اخیر یا حتی یک دهه اخیر است و حتی امکان این نیز وجود دارد که این گرم شدن هوا با افزایش طوفان‌های محلی نیز ارتباط پیدا کند (بورتون، ۱۹۹۶).

در دهه ۹۰ میلادی، پوشش گرمایش جهانی به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. سه کانال تلویزیونی حدوداً یکصد برنامه خبری درباره گرمایش جهانی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ پخش نمودند. این مقدار در مقایسه با چند خبر مرتبط در دهه ۷۰ و حدوداً ۲۰ برنامه خبری در دهه ۸۰ میلادی قابل ملاحظه است. در دهه ۹۰ میلادی، گرمایش جهانی یک جنبه سیاسی بین‌المللی نیز یافت که در اثر آن گردهم‌آیی جهانی زمین سازمان ملل در ریو دوژانیرو برزیل در ۱۹۹۲ و کنفرانس گرمایش جهانی کیوتوی ژاپن در ۱۹۹۷ برگزار شد (همان).

بنابراین، می‌بینیم که قدرت رسانه‌های جمعی می‌تواند یک موضوع کاملاً بدیهی را به یک فاجعه زیست محیطی و یک مورد اضطراری بدل کند و آن‌چنان اثرگذار باشد که توجه بین‌المللی را در ابعاد مختلف به خود جلب نماید.

نقش رسانه‌ها در تهییج افکار عمومی به سود محیط زیست

تهییج، ترغیب و تشویق افکار عمومی در مخالفت یا موافقت با سیاست یا برنامه‌ای، مهم‌ترین سلاح در یکی دو قرن گذشته در دست سیاستمداران بوده‌اند. با گسترش ارتباطات رسانه‌ای گروه‌های مختلف، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی طرفداران محیط زیست به گونه‌ای از آن برای پیشبرد خواسته‌های خود استفاده کرده‌اند. افکار عمومی جهان از منابع مهم حقوق محیط زیست است. قدرت افکار عمومی در کمیته‌ها، جنبش‌ها و مؤسسه‌های دفاع از محیط زیست متبلور می‌شود که هدفشان درخواست اجرای قوانین و یا

دادن پیشنهاد تازه برای نگهداری از انسان‌ها و موجودات است.

در ایران نیز می‌توان از سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی متعددی همچون «جبهه سبز» و «جمعیت سبز ایران» نام برد که با اهدافی چون شناسایی عوامل آلوده‌کننده محیط زیست و جلوگیری از آفات زیست‌محیطی، جلوگیری از گسترش کویر، تبلیغ فرهنگ درختکاری و اقدام عملی در جهت توسعه منابع طبیعی آغاز به کار کرده‌اند. تأثیر مؤسسات دفاع از طبیعت این است که در خارج از کادر دولتی، به وسیله فعالیت‌های افشاگرانه و همچنین تهییج افکار مردم و نیز فعالیت‌های حقوقی مانع فعالیت شرکت‌هایی شوند که با فروش تولیدات خطرناک و سمی خود از یک طرف و یا دور ریز ضایعات و فاضلاب سمی خود از سوی دیگر، باعث آلودگی می‌شوند. این اقدامها اگر نتوانند به طور کلی و قطعی مانع از فعالیت این شرکتها شوند حداقل می‌توانند به طور جزئی هم که شده فعالیت آنها را محدود کنند (تقی‌زاده، ۱۳۸۷). البته قسمت اعظم موفقیت نهضت‌های محیط زیست از این واقعیت ناشی می‌شود که این نهضت‌ها بیش از هر نیروی اجتماعی دیگری، به بهترین نحو قادر به سازگاری با شرایط ارتباطات و تجهیز و بسیج در پارادایم نوین تکنولوژی بوده است. با اینکه این نهضت‌ها به طور عمده متکی به سازمان‌های مردمی است، اما کنش محیط زیستی بر مبنای آفریدن رویدادهای مورد علاقه رسانه‌ها عمل می‌کند.

محیط زیست‌گرایان، با آفریدن رویدادهایی که توجه رسانه‌ها را جلب می‌کند، می‌توانند به مخاطبانی بیش از اعضا و هواداران مستقیم خود دست یابند. به علاوه، حضور دائمی مضامین محیط زیستی در رسانه‌ها به محیط زیست‌گرایان مشروعیتی بیش از دیگر جنبش‌ها می‌دهد. جهت‌گیری رسانه‌ای به خصوص در مورد فعالان جهانی محیط زیست از قبیل صلح سبز آشکار است. منطق این قبیل فعالان محیط زیست که مورد توجه رسانه‌ها نیز قرار گرفته به تمامی، متوجه آفریدن رویدادهایی برای تهییج افکار عمومی نسبت به مسائل معین است تا بدین‌سان بر قدرت‌های ذیربط فشار وارد آورد، اما کار اصلی مبارزات

محیط زیستی در سطح محلی نیز همین است؛ اخبار رادیو و تلویزیون محلی و روزنامه‌ها منعکس کننده صدای محیط زیست‌گرایان است تا جایی که شرکتها و سیاستمداران اغلب شکایت دارند که مسئول بسیج و تهییج محیط زیستی رسانه‌ها هستند نه اکولوژیست‌ها (کستلز، ۲۰۰۶).

رابطه کمک متقابل رسانه‌ها و محیط زیست‌گرایی ریشه‌های متعددی دارد. نخست اینکه تاکتیک‌های اقدام مستقیم بدون خشونت، که از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در جنبش رواج داشت، مواد خوبی برای ارائه گزارش‌های خبری فراهم می‌آورد، به ویژه هنگامی که اخبار، نیازمند تصاویر تازه بود. بسیاری از فعالان محیط زیستی به طور مؤثری تاکتیک‌های آناارشیست‌های سنتی فرانسوی را به اجرا درآورده‌اند، یعنی اقدام به کنش تمثیلی کرده‌اند، که اقدامی نمایشی است که اذهان را متوجه خود ساخته، بحث و مناقشه به راه می‌اندازد و موجب بسیج افکار عمومی می‌گردد. از خودگذشتگی‌هایی مثل تحمل بازداشت و زندان، به خطر انداختن زندگی خویش در اقیانوس، زنجیر کردن خود به درختان، ایجاد سدی از پیکر انسانها برای جلوگیری از ساخته‌شدن تأسیسات نامطلوب، بر هم زدن مراسم رسمی و بسیاری از دیگر اقدامات مستقیم، به همراه خویشتن‌داری و عدم خشونت، مبلغ نوعی نگرش گواه‌طلبانه است که در عصر بدبینی و شکاکیت گسترده، اعتماد متقابل را احیاء و ارزش‌های اخلاقی را تقویت می‌کند (چالکی، ۱۹۹۹).

دوم اینکه، مشروعیت مسائلی که محیط زیست‌گرایان پیش می‌کشند، مستقیماً به آن دسته از ارزش‌های اساسی انسانی مربوط می‌شود که اکثر مردم آنها را باور دارند. این ویژگیها زمینه مساعدی برای رسانه‌هاست تا نقش خود را، رساندن صدای مردم بدانند، و بدین ترتیب مشروعیت خود را افزایش دهند و رضایت کاری خبرنگاران را نیز بالا ببرند. علاوه بر این، گزارش مخاطرات و تهدیدهایی که برای سلامت و بهداشت مردم وجود دارد یا گزارش تخریب محیطی زندگی مردم در اخبار محلی باعث می‌شود مسائل بومی و

محیطی یک منطقه با نیرویی بیش از همه گفتمان‌های سنتی ایدئولوژیک رواج یابد. اغلب، خود محیط زیست گرایان تصاویر گران‌بهایی در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند که گویاتر از یک گزارش مفصل است. بر همین مبنا گروه‌های محیط زیستی آمریکا به توزیع دوربین‌های ویدئویی بین گروه‌های مردمی در سراسر جهان، از کانکتیکات گرفته تا آمازون، اقدام کرده‌اند تا از تخلفات آشکار از قوانین محیط زیستی فیلم بگیرند و سپس با استفاده از زیرساخت تکنولوژیک، این گروه‌ها به آماده‌سازی و انتشار این تصاویر و متهم ساختن مسئولان آن اقدام کنند (کستلر، ۲۰۰۶).

نگاه قانون ایران به بحث رسانه و محیط زیست

قانون اساسی، شالوده و اساس یک حکومت یا دولت را تشکیل می‌دهد و ایران جزو معدود کشورهایی است که توجه به محیط زیست را در قانون اساسی خود در دو اصل بسیار مهم آورده است:

۱) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید اصل پنجاهم به صورت مستقیم به محیط زیست و جایگاه آن اشاره می‌کند. در این اصل آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست با تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

اما توجه به رسانه در حوزه محیط زیست به ویژه از جهت اطلاع‌رسانی و روشن شدن افکار عمومی را می‌توان در قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا جست‌وجو کرد. قانون‌گذار در فصل نخست که شامل کلیات است و در ماده یک به اصل مهم قانون اساسی اشاره می‌کند و به کلیه دستگاه‌ها و مؤسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی تأکید

می‌کند که مقررات و سیاست‌های مقرر در این قانون را رعایت نمایند.

ماده ۱- جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاکسازی و حفاظت هوا از آلودگی‌ها، کلیه دستگاه‌ها و مؤسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاست‌های مقرر در این قانون را رعایت نمایند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا از شش فصل تشکیل می‌شود که ماده ۷ از فصل دوم مربوط به وسائل نقلیه موتوری است؛ قانونگذار در این ماده دو بار سازمان حفاظت محیط زیست را مکلف کرده است تا از رسانه همگانی برای اطلاع‌رسانی استفاده کند. یک بار به هنگام شرایط آلودگی هوا که به حد اضطرار می‌رسد و دیگر بار با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا است.

در ماده ۷، قانون برای سازمان حفاظت محیط زیست در تعامل با رسانه همگانی وظیفه اطلاع‌رسانی را تعیین کرده است اما در فصل ششم که شامل سه ماده است؛ صدا و سیما را موظف می‌کند با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست برنامه‌های آموزشی و قوانین و مقررات مربوط به مسائل محیط زیست را برای روشن شدن افکار عمومی تهیه کند.

در ماده ۳۳، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی، آموزش و قوانین و مقررات مسائل حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد (روزنامه رسمی^۱، ۱۳۷۴).

۱. روزنامه رسمی کشور از سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه می‌باشد که به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود. مطابق اساسنامه قانونی مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۲۸، ارکان شرکت عبارتند از: مجمع عمومی، هیئت‌مدیره و مدیر عامل و بازرس قانونی. سهام شرکت صد در صد متعلق به دولت بوده و ریاست محترم قوه قضائیه رئیس مجمع عمومی شرکت می‌باشند.

وظیفه اصلی شرکت، چاپ و انتشار کلیه قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت‌نظام، آیین‌نامه‌ها و مصوبات هیئت‌دولت، آراء وحدت‌رویه دیوان‌عالی کشور و دیوان

اما در آیین نامه اجرائی تبصره ماده ۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا که هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۲ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت کشور، سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند در ماده ۱۲ فصل سوم که عنوان ساماندهی حمل و نقل شهری را دارد برای صدا و سیما این بار برای تغییر سوخت مصرفی وسایل نقلیه از نظر اقتصادی و زیست‌محیطی وظایفی مشخص شده است:

ماده ۱۲- سازمان صدا و سیما مکلف است با همکاری دستگاه‌های ذیربط، برنامه‌هایی را در راستای نمایاندن تغییر سوخت مصرفی وسایل نقلیه از نظر اقتصادی و زیست‌محیطی، همچنین برنامه‌های آموزشی متضمن ملاحظات ایمنی مربوط به گازسوز شدن را از طریق صدا و سیما، به عموم مردم ارائه نماید (روزنامه رسمی؛ ۱۳۸۱).
گرچه قانون برنامه سوم اعتبار خود را از دست داده است ولی اشاره به یک ماده از آن جهت تأکید بر اهمیت اطلاع‌رسانی و طبیعتاً از مجاری مناسب از جمله رسانه‌ها قابل ذکر است.

در ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی بند (ج) ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب اسفند ۱۳۷۹ با اصلاحات بعدی به طور مستقیم به نقش اطلاع‌رسانی سازمان حفاظت محیط زیست اشاره شده است. در این ماده آمده است که سازمان موظف است که با همکاری دستگاه‌های ذیربط نسبت به تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی در زمینه نحوه تطبیق مشخصات فنی واحدهای صنعتی و تولیدی، قوانین و مقررات و استانداردهای زیست‌محیطی اقدام کند (دفتر امور حقوقی و پارلمانی ریاست جمهوری، ۱۳۸۷).

عدالت اداری، چاپ و نشر برخی آگهی‌های قانونی - قضایی، همچون آگهی‌های مربوط به تاسیس و ثبت شرکت‌ها و علائم تجاری و ... از دیگر وظایف روزنامه رسمی کشور می‌باشد

بخش دوم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حفظ محیط زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای اختصاص دارد. در فصل پنجم همین قانون که موضوع مهم حفظ محیط زیست را نشانه رفته است، وظایفی برای دولت در راستای توسعه فرهنگ محیط زیست آورده است. موادی از همین قانون مستقیم به بحث وظایف رسانه‌ها به آموزش محیط زیست می‌پردازد.

ماده ۶۰- دولت موظف است به منظور تقویت و توانمندسازی ساختارهای مرتبط با محیط زیست و منابع طبیعی، ساز و کارهای لازم را جهت گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی محیط زیست در کلیه واحدهای آموزشی و مراکز آموزش عالی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش محیط زیست و منابع طبیعی، ایجاد و تقویت ساختارهای مناسب برای فعالیت‌های زیست‌محیطی در دستگاه‌های اثرگذار بر محیط زیست تنظیم و برقرار نماید (برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۶).

در همین قانون برای سازمان حفاظت محیط زیست در امر آگاهی‌های عمومی و اطلاع‌رسانی وظایفی اجبار شده است. ماده ۶۴ از دو بند تشکیل شده است که هر دو بند آن به وظایف سازمان حفاظت محیط زیست در امر اطلاع‌رسانی تأکید شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۶).

ماده ۶۴ سازمان حفاظت محیط زیست مکلف است:

الف- در راستای ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار از ابتدای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی مربوط را با پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیئت وزیران برساند. کلیه دستگاه‌های ذیربط، رسانه‌های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی، بدون دریافت وجه موضوع این ماده می‌باشند.

ب- نظام اطلاعات زیست‌محیطی کشور را در سطوح منطقه‌ای، ملی و استانی تا پایان سال اول برنامه چهارم ایجاد نماید تا زمینه پایش، اطلاع‌رسانی و ارزیابی زیست‌محیطی فراهم گردد. دستگاه‌های ذیربط مکلفند در تدوین و اجرایی نمودن این نظام همکاری نمایند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۶).

در ماده ۱۰ قانون پنج ساله پنجم توسعه، برای وظایف کلی دولت و سازمان وابسته در خصوص رسانه در امر اطلاع‌رسانی و مقابله با تهاجم فرهنگی تبیین شده است. تنها ماده ۱۸۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران است که وظایفی را به طور مشخص برای سازمان حفاظت محیط زیست مکلف کرده است.

ماده ۱۰- دولت موظف است به منظور سامان‌دهی فضای رسانه‌ای کشور، مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه و جرایم و ناهنجاری‌های رسانه‌ای، در چهارچوب سیاست و ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و فراهم آوردن زمینه بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت رسانه‌ای، اقدامات قانونی را انجام دهد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۰).

بحث و نتیجه گیری

با در نظر گرفتن تمام آنچه که گفته شد و با اشاره مجدد به قوانین مکرری که در کشورمان و همچنین در مجامع بین‌المللی درباره حفظ محیط زیست، تصویب شده و دولت‌ها موظف به اجرا و در نظر گرفتن آنها هستند، با این حال می‌توان گفت اگر دانشمندان زیست‌محیطی را بتوان متقاعد نمود که درک بهتر عموم اجتماع از تحقیقات آنها روی تغییرات آب و هوایی، می‌تواند منجر به تغییرات در رفتار عمومی شود، شاید انتخاب‌های متعددی برای افزایش ارتباط علمی در دسترس قرار می‌گرفت.

توسعه بیشتر سازمان‌های علمی و آموزشی می‌تواند به ایجاد این ارتباط بیشتر کمک فراوانی کند. برنامه‌هایی که بتوان آنها را هم از طریق چاپ، صدا و تصویر و دیگر

رسانه‌های الکترونیکی در اختیار عموم مردم قرار داد، مکانیسم‌های غیرستی را که منجر به برقراری ارتباط علوم با جامعه می‌شود، تقویت می‌کند. به همین شکل، برنامه‌هایی که به دانشمندان و مهندسان امکان برقراری ارتباط با عموم را بدهد، نیز در همین زمره قرار می‌گیرند. حجم دستیابی به علوم در صورتی افزایش می‌یابد که موضوعات علمی در محل‌های غیرمعمول مطرح شوند. همچون طرح موضوعات زیست‌محیطی در رسانه‌هایی که فرهنگ پاپ را گسترش می‌دهند. برای دستیابی به افراد هوشمند در زمینه محیط زیست، باید دستیابی به علوم پایه محیط زیست، خالی از هرگونه محاسبات ریاضی یا جبری باشد و در آن از ساده‌ترین گرافیکها و نمودارهای ممکن استفاده شده باشد؛ به گونه‌ای که کاربرد واژه‌های فنی در آن به حداقل ممکن برسد.

با این حال می‌توان گفت گرچه تشریح ساده تغییرات آب و هوا و دیگر موضوعات زیست‌محیطی خوب است، لیکن موجب نفوذ و عمقی‌شدن کامل آن در جامعه نمی‌شود. برای اینکه بتوانیم اثری پایا بر رفتار عموم مردم بگذاریم، توسعه علوم باید روشی را که مردم درباره آموزش علوم به آنها در ذهن دارند، تغییر دهد؛ به گونه‌ای که بتوان اندیشه علمی زیست‌محیطی را در جهان واقعی و در میان پدیده‌های واقعی محیط زیست به کار گرفت.

توصیه‌های دیگری که می‌توان به آن پرداخت، شامل توسعه و انتشار شاخص مردم به مشکل برای آموزش عمومی می‌شود. چنین شاخصی می‌تواند درجه‌ای که یک مسئله زیست‌محیطی در آن دارای جزء درگیری عمومی است را اندازه بگیرد. یک مسئله همچون تغییر آب و هوا نیازمند حجم عظیمی از آگاهی عمومی برای مشارکت در جهت یک راه حل واقعی است. یک مسئله زیست‌محیطی با درجه اهمیت پایین‌تر، همچون فاضلاب‌های صنعتی را می‌توان با سطح توجه پایین‌تر عمومی نیز حل و فصل نمود. چنین شاخصی را می‌توان به عنوان یک محرک برای گروه‌های زیست‌محیطی و مربیان به کار برد؛ به گونه‌ای

که مشکلات زیست‌محیطی در آنها نیازمند حضور عمومی بیشتری باشند. همچنین آموزش رسانه‌ای بیشتر به همراه تحقیق در مورد چگونگی یادگیری عموم درباره موضوعات محیط زیستی و آنچه که افراد را در جهت رسیدن به راه حل تحریک می‌کند، از اهمیت بالایی برخوردار است. توصیه‌هایی همچون مواردی که در بالا مطرح گشت، می‌تواند نتایج تحقیقات علمی را به صورت ملموس‌تری در اختیار عموم قرار دهد و حفره اطلاعاتی ایجادشده بین مردم و دانشمندان را تا حد زیادی پر کند.

در پی اهمیتی که وسایل ارتباط جمعی در شکل‌دهی افکار عمومی به خود می‌گیرند، محیط زیست گرایان نیز آنها را جهت پیشبرد اهداف معینی به خدمت می‌گیرند. چراکه تکنولوژی‌های ارتباطی همواره به مثابه تریبونی عمل کرده‌اند که می‌تواند اهمیت خط‌مشیها و سیاست‌های کلان زیست‌محیطی را در اذهان افکار عمومی قبولانده و نهادینه کند. از دیگر سو، ارتباط میان قانون و رسانه‌ها بر کسی پوشیده نیست. کارشناسان محیط زیست به اثرات مثبت و منفی این سیاستها چه در بلندمدت و چه در کوتاه‌مدت توجه می‌کنند. در دموکراسی‌های مدرن، قانون و رسانه به طور قابل‌توجهی مانند دو عنصر ساختاری مهم عمل می‌کنند. در طول سی سال گذشته، تجزیه و تحلیل زیست‌محیطی به امری ضروری برای شکل‌دادن به سیاست‌های داخلی و بین‌المللی دولتها تبدیل شده است. تحلیلگران محیط زیست برای قوانین، پیوست‌هایی تعریف کرده‌اند و این افراد متخصص در حال تجزیه و تحلیل پیچیدگیها و تغییرات شرایط جهان هستند. آنها در تلاش‌اند تا با بحث و تبادل نظر و به کمک رسانه و قانون به هدف بلندمدت خود در جهت پایداری محیط زیست دست یابند.

برای آنها اتفاقات زیست‌محیطی چیزی نیست که به سادگی از آن عبور کنند. چه مشکلاتی که محیط زیست ظاهراً به روند توسعه وارد می‌کند و چه آن بخشی که محیط زیست قربانی توسعه بی‌رویه صنعت می‌شود. این تحلیل‌های زیست‌محیطی موجب

افزایش توجه عموم مردم می‌شود و آنها را درگیر مسائل محیط زیست می‌کند. در هر صورت ممکن حساسیت افکار عمومی به وسیله رسانه‌ها برانگیخته می‌شود. رابطه میان قانون، رسانه و محیط زیست یکی دیگر از عوامل مهم رسیدن به این هدف است، مانند متوجه کردن مردم به پدیده گرم‌شدن زمین و کاهش مواد غذایی ناشی از فعالیت‌های صنعتی کنترل نشده. باتوجه به قرار گرفتن در عصر اطلاعات و تأثیرات بسیار زیادی که رسانه‌ها در جهت دهی افکار عمومی دارند، کارشناسان محیط زیست در تلاشند که توجه رسانه‌ها را به محیط زیست معطوف کنند. به نظر می‌رسد تجزیه و تحلیل‌های رسانه‌ای از محیط زیست، نقش اساسی در حکمرانی مطلوب زیست‌محیطی برعهده دارد. از همین رو، عقلایی‌ترین کار این است که برای نگهداری از منابع ملی به رسانه‌ها بیشترین بها داده شود.

بی تردید باتوجه به محدودیت‌های متعدد دولت‌ها در پاسداری از اجزاء مختلف محیط زیست (آب، خاک، هوا، جنگل، مرتع، حیات وحش گیاهی، حیات وحش جانوری، آبزیان و...)، در سال‌های گذشته، رسانه‌ها و NGOهای مختلف به کمک دولت‌ها شتافته‌اند تا بلکه بتوانند منابع خود را با چنگ و دندان نگه دارند و جلوی تخریب بیشتر آنها را بگیرند. مجموعه روشنگریها و فشارهای رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، موجب آگاه‌شدن تصمیم‌گیران در حوزه محیط زیست شده است.

در ایران با نگاهی به حداقل چهار برنامه پنج ساله کشور بعد از سال ۱۳۵۷ و برخی قوانین دائمی، این حقیقت روشن می‌شود که توجه به محیط زیست در برنامه‌های دولت سیر صعودی داشته است و در این راه، قوانین تازه‌ای در حمایت از محیط زیست وضع شده است. برخی از همین قوانین رسانه ملی را مکلف به تهیه برنامه‌های متنوع برای افکار عمومی در جهت حفظ و نگهداری از محیط زیست کرده است و سازمان حفاظت محیط زیست باید از کمک و همیاری رسانه ملی در انجام وظایف خود سود ببرد.

دستاوردهای تکنولوژی و رسانه‌های جمعی رویکرد تازه‌ای به انسان درباره نگرش به محیط زیست خود می‌دهد و انسان را از مسائلی همچون بیماری‌های ایدز، لایه اوزن و مسائل زیست‌محیطی آگاه می‌کند.

پژوهش حاضر می‌تواند باعث افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی مردم از روش‌های حفاظت از محیط زیست و همچنین روش‌های کاهش بحران‌ها و مسائل زیست‌محیطی شود. با همکاری رسانه‌ها شاهد ارتقای سطح فرهنگ عمومی مردم خواهیم بود تا نتایج مطلوب به دست آورده و به سمت توسعه هدایت شویم. آموزش افراد جامعه و تلاش برای ایجاد فرهنگ به گونه‌ای که افراد با اهمیت محیط زیست آشنا شوند و پیام‌زنده که در زندگی از محیط زیست محافظت کنند، از عهده یک یا دو نهاد و سازمان خارج است. برای رسیدن به چنین هدفی و ایجاد و توسعه فرهنگ دوستی با محیط زیست، ایفای نقش و فعالیت تمامی سازمانها و نهادهایی که مستقیم و غیرمستقیم در فرهنگ سازی تأثیر دارند، ضروری است. تنها با همکاری و هماهنگی نهادهای مسئول و مرتبط است که می‌توان در جهت ایجاد فرهنگ دوستی با محیط زیست اقدام کرد.

بنابراین، برای فرهنگ‌سازی در زمینه حفظ محیط زیست، سازمانها و نهادهای مرتبط باید فعالیت‌های خود را در ابعاد مختلف و در زمینه‌های گوناگون آغاز و با برنامه‌ریزی و هماهنگی با یکدیگر اقدام کنند. برای تحقیق چنین هدفی، لازم است این فعالیتها در سطوح مختلف و هماهنگ با یکدیگر، به گونه‌ای که اقدام در سطحی مکمل و مقوم اقدامات در سطحی دیگر باشد، آغاز شود و به صورت مستمر ادامه یابد.

پیشنهادها

- بسترهای لازم و اساسی در فضای رسانه‌های جمعی فراهم شود و خدمات دولت الکترونیک رونق یافته و گسترش موضوعی بیشتری را بالأخص در زمینه آموزش به خود ببیند.

- شهروندان بایستی سهولت، سرعت و هزینه را درک نموده و در زمینه بحران‌های طبیعی و انسانی آگاهی خود را ارتقا دهند. انجمن‌های اجتماعی و مردم‌نهاد نیز با استفاده از رسانه جمعی، سه بعد نگرشی مردم به محیط زیست و ابعاد آن یعنی شناخت مردم، احساس مردم و رفتار مردم را بهبود بخشند.

- رسانه‌ها به طور مداوم به تهیه گزارش‌هایی درخصوص رعایت نکردن الگوی مصرف، بی‌توجهی معادن و کارخانه‌داران چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، مبادرت کنند.

- حفاظت از محیط زیست به آحاد جامعه وابسته است. نگرش و تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، بر نوع رفتار آنها با محیط زیست تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل رسانه‌ها تأثیر بسزایی در ارتقاء فرهنگ محیط زیستی مردم و حفاظت از محیط زیست دارند.

- رسانه ملی می‌بایست حس پاسخگویی مسئولین را در جهت حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی و سایر سازمان‌های غیردولتی و مردم بنیاد جهت تقویت و اجرایی کردن موضوع برانگیزاند.


- رسانه ملی می‌بایست ظرفیت دائمی گفت‌وگوشنود و تعامل بین بخش‌های مختلف اجتماعی را به وجود آورد.

- رسانه ملی به مثابه یک عامل نظارت اجتماعی در جهت ایجاد شفافیت هر چه بیشتر در امور مربوط به بخش‌های دولتی و خصوصی عمل نماید.

- به نظر می‌رسد در بعد دیگر باید خبرنگاران و تحلیل‌گران رسانه‌ها را با اطلاعات محیط زیستی آگاه کرد. این کار با راه‌اندازی کلاس‌ها، کارگاه‌ها و استفاده از اساتید دانشگاه‌ها برای روشنگری خبرنگارها می‌تواند مفید واقع شود. به طور کلی، خبرنگارها برای کار در هر حوزه مشخصی نیاز به انگیزه‌های لازم دارند. مهم‌ترین انگیزه در این مورد، صرف‌نظر از مسائل و معضلاتی که خبرنگاران در حرفه خود با آن روبرو هستند، آگاهی

به رسالت و نقشی است که خبرنگار یا تحلیل‌گر مسائل زیست‌محیطی در حوزه رسانه برای حفظ سلامت مردم و بالا بردن کیفیت زندگی آنها دارد. به عبارت دیگر، اگر این گروه به اهمیت و حساسیت کار خود در جامعه و ساختن فردایی بهتر آگاه باشند و اطمینان داشته باشند، بزرگ‌ترین انگیزه برای حرکت در سمت و سوی نگهداری از محیط زیست ایجاد می‌شود.

- هنجارسازی و ایجاد احساس مسئولیت: هنجار بهترین تعریف را از عملی اجتماعی و همگانی و در عین حال خارج از چارچوب قانون و مقررات نشان می‌دهد. هرگاه حفاظت از محیط زیست و نگرانی‌های انسانی آن، به صورت هنجار در کشور تبدیل شود می‌توان گفت مسئولین در این زمینه موفق‌اند. بنابراین، با توجه به اهمیت این مسئله، همت همگانی می‌طلبد که حفاظت از محیط زیست را هرچه بیشتر مردمی کرده و در این زمینه از ابزار رسانه‌های جمعی نیز بیشترین استفاده گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- اسکیدمور، و. (۱۳۷۳). *اندیشه نظری در جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران: انتشارات صفیر.
- تقی‌زاده انصاری، م. (۱۳۸۷). *حقوق زیست‌محیطی در ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- باری، ج. (۱۳۷۹). *نظریه زیست‌محیطی و اجتماعی*. ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست.
- دبیری، ف. (۱۳۹۰). رسانه‌ها و توسعه حقوق محیط زیست. *فصلنامه مطالعات رسانه‌ای*، سال ششم، شماره ۱۳، تابستان، ۱۶۵-۱۸۲.
- ریاست جمهوری. (۱۳۸۷). *قانون حفاظت از محیط زیست و قوانین مربوط به آن*. تهران: دفتر امور حقوقی و پارلمانی ریاست جمهوری.
- *روزنامه رسمی*، ۱۴۶۲۹، ۱۳۷۴، ص ۴
- علاقه بند، ع. (۱۳۸۴). *مدیریت آموزشی*. تهران: انتشارات فکری.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). دسترسی از: http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۰-۱۳۹۴). *قانون برنامه ۵ ساله توسعه پنجم جمهوری اسلامی ایران*.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴-۱۳۸۸). *قانون برنامه ۵ ساله توسعه چهارم جمهوری اسلامی ایران*.
- قرضایی، ژ. (۱۳۸۵). *حفاظت از محیط زیست در قوانین اسلام*. قاهره.
- قوام، م. ع. (بی‌تا). *حفاظت کیفی از محیط زیست*. تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.
- کارسون، ر. (۱۳۸۸). *بهار خاموش*. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده و دیگران، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- کاستلز، م. (۱۳۸۴). *عصر اطلاعات، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت*. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.

- لازار، ژ. (۱۳۸۰). *افکار عمومی*. ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- مصطفوی، ف. (۱۳۸۸). *تأثیر رسانه‌های عمومی بر تغییر شیوه برخورد و فرهنگ ترافیکی*. تهران: انتشارات راهور.
- معین، م. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نژاد شلماتی، م. (۱۳۸۸). *از مدیریت بحران تا رسیدن به بازیابی جنگ نرم رسانه‌ای*. تهران: نشر چشمه
- واجارگاه فتحی، ک. و فرمهبینی فراهانی، م. (۱۳۸۴). *دانش زیست‌محیطی زنان برای توسعه پایدار*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- American Association for the Advancement of Science (AAAS) (2000). Directorate of Education and Human Resources.
- Baron, J. et al. (1993). Dynamic Land Surface/Atmospheric Parameterization for the South Platte River Drainage. AWRA 28th Annual Conference and Symposium, Reno, NV, AWRA.
- Basu, A. N. (1986). Education in Modern India.
- Berle, P. (2000). Host of The Environment Show. WAMC Radio, Personal communication.
- Bultot, F., Dupriez, G. L. and Gellens, D. (1988). Estimated Annual Regime of Energy-Balance Components, Evapotranspiration and Soil Moisture for a Drainage Basin in the Case of A CO2 Doubling. Climatic Change 12: 39-56.
- Campbell, P. (2000). Nature. Personal communication.
- Castells, M. (2006). *The Network Society: From Knowledge to Policy*. Washington, DC, Center for Transatlantic Relations (2006) P166-167
- Castells, M. (2006). *The Network Society: From Knowledge to Policy*. Washington, DC, Center for Transatlantic Relations (2006) P167-170.
- Castells, M. *The Network Society: From Knowledge to Policy*. Washington, DC, Center for Transatlantic Relations (2006) (2006). P34.
- Chalecki, E. L. and Gleick, P. H. (1999). A Framework of Ordered Climate Effects on Water Resources: A Comprehensive Bibliography. Journal of the American Water Resources Association, 35(6): 1657-1665.
- Crowe, A. S. (1993). The Application of a Coupled Water Balance Salinity Model to Evaluation the Sensitivity of a Lake Dominated By Groundwater to Climatic Variability. Journal of Hydrology, 141: 33-73.
- Gould, J. (1997). *Social Science Culture*. Translated By Parham, B. et al., Maziar Publications.

- Hay, L. E., Branson, M. D. and Leavesley, G. H. (1993). Simulation of Precipitation in the Gunnison River Basin Using an Orographic-Precipitation Model. AWRA 28th Annual Conference and Symposium, Reno, NV, AWRA.
- Hejab, M. M. (1999). Pollution and protect the environment. Egypt: Daralfajr publishing.
- Hobson (2000). The Conscious Exploration of Dreaming: Discovering How We Create and Control Our Dreams [Co-authored with Janice E Brooks and Jay Vogelsong]. AuthorHouse.
- Immerwahr, J. (1999). Waiting for a Signal: Public Attitudes Toward Global Warming, the Environment, and Geophysical Research. Washington, DC: American Geophysical Union.
- Advancing science servise society website: Program of Public Understanding of Science and Technology.

